

صورت مجلس مکالمه مرحوم آقا علی الله مقامه با ملا صادق ^{در}

بعد از درس

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين محمد
الطاهرين المعصومين الميامين ولعنة الله على اعدائهم وناصبي شيعتهم وغاصبي
حقوقهم ومنكرى فضائلهم من الجن والانس من الاولين والآخرين الى يوم الدين
و بعد چنين كويد بنده مسكين حاج زين العابدين الكرماني كه در
يكشنبه بيست و سيم شهر صفر المظفر سنة ۱۲۰۶ هجري ملا صادق نالعي وار شد در
بهشت ايئن سيد و مولاي ما رو خدا فداه پيران بنر كوار فرمودند كه ملا صادق
ميگويند شما هستيد عرض كرد بلي فرمودند از كجا آمد و بچه امرامد و فرمايش فرمودند
باصل مجلس كه صورت مجلس را بنويسيد كه بكار ديگران هم بيايد پس بنا بر فرمايش لازم
الاتباع صورت انگليس برشته تحرير در آورده خدمت دوستان عرضه ميدارم
بطوريكه زن مرد از عوام ازان بهره ببرند و شايد اين عاصوبه روزگار را بيايد
بدعاي حيزي ياد فرمايند و بخداست توفيق و برادست توكل اينست اول مجلس كه فرمودند
ملا صادق كه ميگويند شما هستيد عرض كرد بلي فرمودند از كجا آمد و بچه امرامد
عرض كرد من در اصفهان بودم ملا حسين شيرازي و ملا حسن و تقى ملا علي نام دارند
باصفهان و گفتند ظاهر شده است در شيراز و ادعا ميكند كه من نايب خاص حضرت
صاحب الامر و اسم او ميرزا علي محمد است دليل از آنها طلب كردم بر صدف قول گفت
دليل او علم و محلاست و گفتند كه تو هنر و تدبير و دليل او را و ملاها خدمت سيد

گزارش مناظره مرحوم محمدکریم خان کرمانی با فرستاده علی محمد باب

علی محمد باب طلبه ای به نام ملاصادق را به کرمان فرستاد (صادق مقدس خراسانی ملقب به اسم الله الاقدس).

وی خدمت مرحوم آقای کرمانی اعلی الله مقامه رسید و در صبح یکشنبه 23 صفر سال 1261 مجلس مناظره ای تشکیل شد. قریب به دویست نفر از اهل حل و عقد و علماء در آن مجلس حاضر بودند. زین العابدین بن جعفر کرمانی اتفاقات آن مجلس را یادداشت کرده است.

مجلس با پرسش های آقای کرمانی از رسول باب آغاز می شود. اینکه از کجاست و نزد باب چه سمتی دارد. از وی اقرار می گیرند که سخنان باب را نمی فهمد. کتابی را که رسول باب آورده، گشوده و الفاظ رکیک و خلاف عربیت آن را بلندبلند قرائت کرده و می فرمایند: «کتابی از شیخ محمد مکی سنی در نزد من است که در علم اعداد تصنیف کرده و بر سبک قرآن گفته و موافق زبان عرب تکلم کرده. پس چرا تصدیق میرزا علی محمد را می کنی و تصدیق او را نمی کنی؟» ملاصادق پاسخی ندارد و مصرانه تکرار می کند که این کتاب، قرآن باب است و معجزه.

آقای کرمانی (اع) فرمایش های سید مرحوم (اع) را در حق خودشان بیان می فرمایند و رسول باب تصدیق می کند و حتی می گوید: «من می دانم که شما اعلم از کلّ شاگردان سید می باشید.» و در قسمتی از مناظره می گوید: «من نیز شنیدم چندین مرتبه تعریف شما را از سید و تصریح او را به اینکه شما نائب آن بزرگوار هستید.» آقای کرمانی با توجه به مقام علمی خود بارها می فرمایند که من و حاضران در جمع کتاب او را باطل و خلاف عربیت می دانیم و این قرآن را خلاف آیه «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه» می دانیم چرا که قرآن باب به لسان عربی مشهور و متعارف نیست و حتی به لسان عرب های بدوی بیابانی هم نیست. در اینجا رسول باب می گوید: «من تا حالا غافل بوده ام و الحال متذکر شدم.» و آقای کرمانی (اع) به او دستور می دهند که: «برو به مسجد و در ملا عام بگو من تا حال از روی غفلت به راه باطل رفته بودم و حال توبه کردم و این کتاب های میرزا علی محمد باب همه کفر و زندقه است و باید آنها را سوزانید.» آن رسول عرض کرد: «می ترسم از مجلس شما بیرون بروم مرا سنگسار کنند.»

نویسنده این مجلس یعنی زین العابدین بن جعفر شگفتی خود را از حال این رسول اظهار می کند که این ملاصادق «وقت ورود به کرمان در کجاوه نشسته بود و عوام کالانعام او را تعظیم و تجلیل می کردند و دسترسی به او نداشتند کجاوه او را و شتر او را می بوسیدند و خاک پای شتر او را برای تیمن و تبرک می بردند و آب دستش را برای شفاء می خوردند» و امروز کار این رسول به اینجا کشیده است.

در ادامه باز هم مکرراً آقای کرمانی به فرمایش های سید مرحوم اعلی الله مقامه در حق خودشان تصریح فرموده و می فرمایند «تفصیح کردید شیخیه را و شیخ مرحوم را و سید مرحوم را به اینکه می گوئید ما شیخی هستیم و تفصیح کردید شیعه اثنی عشری را به اینکه می گوئید ما اثنی عشری هستیم و افترا بر خدا و رسول و ائمه علیهم السلام بستید که این مزخرفات را به هم بافتید و نام آن را قرآن گذارید.»

در این هنگام ملاصادق عرض می کند: «من در خلوت با شما عرضی دارم.» و ایشان می فرمایند: «در خلوت یک دقیقه با تو نمی نشینم و به نجوا و آهستگی یک کلمه با تو تکلم نمی کنم اگر برهانی داری بر اثبات حقیقت میرزا علی محمد و کتاب او، علانیه و در ملأ عام بیاور. و الا پس تصدیق کن مرا یا تکذیب کن تا جاری شود بر تو آنچه باید جاری شود.» باز هم به فرمایش های سید مرحوم درباره جایگاه خودشان اشاره فرمودند و در ادامه اجازه نامه ملاصادق از سید مرحوم را توجیه فرمودند. ملاصادق گفت: از کرمان می روم. فرمودند: «من می نویسم به تمام شهرها که تو را طعن و لعن کنند و تو را و امثال تو را در ولایات راه ندهند...». نهایت ملاصادق اخلاق خوش علی محمد باب را علت گرویدن به او عنوان می کند و آقای کرمانی این بهانه را نیز پاسخ می دهند.

در آن مجلس نائب الحکومه حاضر بود و در پایان مناظره گفت: «اتمام حجت بهتر از این نمی شود معلوم شد که این مرد و کسی که او را فرستاده است و کتاب های آنها همه بر باطلند و کفر اینها بر عام و خاص مبرهن است او را امان بدهید و بفرمایید اصحاب او را سنگسار نکنند و امشب تا فردا نزد من باشد، آن را اخراج بلد می کنم یا می آید خدمت سرکار و به طوری که فرمایش فرمودید توبه می کند.»

زین العابدین بن جعفر کرمانی می نویسد: «[آقای کرمانی] از مجلس تشریف بردند و همان شب او [=ملاصادق] را از کرمان بیرون کردند. بعد از آن چهار جلد در ردّ این طایفه ضاله بابیه نوشتند و به اطراف، مرقومات در باب ابطال باب خسران مآب مرقوم فرمودند و بطلان آنها را بر همه کس واضح و مبرهن ساختند. والسلام.»